

زمان بازآرایی میدان سیاست

درباره سند امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکا و اهمیت آن برای ایران



افشین حبیب‌زاده

فعال سیاسی و کارشناس

مسائل ایران

انتشار سند امنیت ملی ۲۰۲۵ ایالات متحده، فارغ از اینکه آن را با چه میزان بدبینی یا احتیاط بنگریم، حامل یک پیام روشن برای سیاست ایران است: فضای راهبردی منطقه و جهان در حال تغییر است، و این تغییر الزاماً به نفع ما طراحی نشده است. نکته مهم‌تر آنکه این سند برخلاف اسناد دو دهه گذشته، کمتر بر «مداخله مستقیم» و بیشتر بر «فشار درازمدت و کم‌هزینه» متمرکز است؛ فشاری که نه به شکل یک بحران فوری، بلکه به‌صورت تدریجی ساختارهای اقتصادی و سیاسی ایران را هدف می‌گیرد. به همین دلیل لازم است این سند نه صرفاً یک نوشته آمریکایی، بلکه یک «نشانه» از تغییرات بزرگ‌تری در نظم جهانی تلقی شود؛ نظم جدیدی که اگر در سیاست‌گذاری داخلی و منطقه‌ای ایران مورد توجه قرار نگیرد، ممکن است در بلندمدت هزینه‌های جدی برای کشور ایجاد کند.

در این یادداشت، تلاش می‌کنم پیامدهای سیاسی این سند را از زاویه‌ای واقع‌گرایانه مرور کنم؛ بی‌آنکه به خوش‌بینی افراطی یا ادبیات تقابلی صرف تکیه کنم.

۱- **راساس** این سند خاورمیانه دیگر مرکز سیاست آمریکا نیست؛ اما ایران همچنان مهم و مورد توجه است. در سند جدید، آمریکا به‌وضوح اعلام کرده است که خاورمیانه «عامل غالب» سیاست خارجی آن نیست. این جمله در نگاه اول ممکن است آرامش‌بخش به نظر برسد: «وقتی خاورمیانه اولویت نیست، شاید فشار بر ایران هم کمتر شود.» اما در متن سند، واقعیت چیز دیگری است. خاورمیانه ممکن است اولویت اول نباشد، اما ایران همچنان در فهرست چالش‌های امنیتی آمریکا قرار دارد؛ آن هم نه به‌صورت گذرا، بلکه در این سند به‌عنوان «تهدید بی‌ثبات‌کننده منطقه» از آن یاد شده است. این دو گزاره در کنار هم یک پیام دارد: آمریکا قصد جنگ مستقیم ندارد، اما قصد رها کردن پرونده ایران را هم ندارد. این ترکیب می‌تواند به یک سیاست پایدار کم‌هزینه برای آمریکا تبدیل شود؛ یعنی کاهش حضور نظامی، افزایش فشار مالی و تکنولوژیک، اتکا به متحدان منطقه‌ای و مدیریت از راه دور. برای ایران، نتیجه این وضعیت آن است که درگیری نظامی ممکن است کمتر محتمل باشد، اما فشار سیاسی و اقتصادی «قطعی‌تر» خواهد بود.

۲- **در بررسی** تغییر اولویت‌های آمریکا و پیامدهای آن برای سیاست ایران باید گفت وقتی آمریکا خاورمیانه را در اولویت نخست خود قرار نمی‌دهد، در ظاهر ممکن است تصور شود که ایران می‌تواند با آزادی عمل بیشتری سیاست منطقه‌ای خود را دنبال کند. اما در واقع، این تغییر به معنای شکل‌گیری نوع جدیدی از محدودیت‌هاست. در دوره‌های گذشته، آمریکا بخش زیادی از انرژی خود را صرف حضور مستقیم در منطقه می‌کرد. از عراق و افغانستان تا مقابله با داعش. اکنون این انرژی آزاد شده است و می‌تواند در قالب فشارهای «زمان‌بر» علیه ایران بازتخصیص یابد. این فشار زمانی خطرناک‌تر است که کمتر قابل پیش‌بینی است، هزینه داخلی برای آمریکانداردودر قالب شبکه‌ای از تحریم‌ها، تهدیدهای تکنولوژیک، فشار بر کشورهای همسایه و محدودیت‌های مالی اعمال می‌شود. این یعنی سیاست ایران باید آماده مواجهه با یک فشار فرساینده باشد، نه یک موج بحران کوتاه‌مدت.

۳- **و اما در پیامد** داخلی باید گفت سیاست‌گذاری سخت‌تر و نیاز به بازتعریف اولویت‌هاست. در فضای داخلی، اثر این سند معمولاً در سه حوزه دیده می‌شود.

الف) سیاست خارجی ایران زیر ذره‌بین اقتصادی قرار می‌گیرد. وقتی فشار آمریکا از شکل امنیتی به شکل اقتصادی منتقل می‌شود، پیامدهای داخلی آن بیشتر و ملموس‌تر خواهد بود. در واقع هزینه اداره کشور بالا می‌رود، نیاز به سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر حس می‌شود، وابستگی به چند شریک محدود (مثلاً چین) خطرناک‌تر می‌شود و امکان مانور منطقه‌ای ایران محدودتر می‌گردد. بنابراین، دستگاه سیاست خارجی ایران عملاً مجبور خواهد شد تعاملات خود را به گونه‌ای بازتنظیم کند که از فشار اقتصادی بکاهد.

ب) شکاف میان نیازهای اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی آشکارتر می‌شود.

به این مفهوم که جامعه ایران امروز با مشکلات اقتصادی جدی مواجه است؛ و در چنین شرایطی، هر تحریم جدید یا محدودیت فناوری، آثار چندبرابری دارد. این سند اگرچه تحریم جدیدی معرفی نمی‌کند، اما یک چارچوب می‌دهد که بر اساس آن فشار آینده

اگر همان نسبت سال ۱۳۹۵ را برای سال ۱۴۰۳ در نظر بگیریم، باز هم ۴۲۱ فوجی اضافه در مردان که در این کار شاغل هستند، وجود دارد. اگر این پدیده را برای استان‌های هرمزگان و کرمان هم در نظر بگیریم، کمابیش همین گونه است؛ هرچند نه به‌شدت سیستان و بلوچستان. اینها از تبعات سیاست نادرست قیمت‌گذاری در انرژی است. اگر هزینه‌های مادی در خسارت به خودرو و بیمه‌ها و خسارت‌های اجتماعی و روانی به خانواده‌ها را نیز در نظر بگیریم، متوجه ابعاد فاجعه‌بار چنین سیاستی می‌شویم. بدتر از همه این است که بخشی از مردم خود را مجبور

آمریکا از منظر خود واشنگتن دارای توجیه بیشتری تلقی خواهد شد و احتمال تداوم آن بالااست. در نتیجه دولت ایران با محدودیت منابع روبه‌رو می‌شود، نارضایتی اجتماعی ممکن است بیشتر شود و نیاز به اصلاحات ساختاری داخلی افزایش می‌یابد و هم‌زمان تضاد میان ضرورت‌های اقتصادی و محدودیت‌های سیاسی آشکارتر شده و فشار بر تصمیم‌گیری‌های کلان داخلی بیشتر می‌شود.

ج) نقش نهادهای منطقه‌ای و امنیتی تغییر می‌کند.

وقتی نفوذ منطقه‌ای ایران زیر فشار غیر مستقیم قرار بگیرد، برخی نهادهای سیاسی و امنیتی داخل کشور ناچار خواهند بود تعریف تازه‌ای از نقش خود ارائه دهند. تداوم هزینه‌های منطقه‌ای در شرایطی که منابع داخلی محدود است، محل بحث بیشتری خواهد شد.

۴- **از دیگر** نتایج این سند این است که بازیگران منطقه‌ای پرنرنگ‌تر می‌شوند و نقش ایران دشوارتر. وقتی آمریکا حضور مستقیم خود را کاهش می‌دهد، متحانش نقش بیشتری پیدا می‌کنند. این موضوع دو پیامد دارد اول فشار منطقه‌ای بر ایران افزایش می‌یابد و اسرائیل، عربستان و امارات از آزادی عمل بیشتر برخوردار می‌شوند و سیاست مهار ایران به جای واشنگتن از ریاض و تل‌آویو هدایت خواهد شد. دوم هزینه تقابل برای آمریکا تقریباً صفر خواهد بود. در گذشته، هر تنش ایران-آمریکا می‌توانست آمریکا را درگیر هزینه‌های سنگین منطقه‌ای کند. امروز، آمریکا از پشت صحنه مدیریت می‌کند و دیگر نیازی به ورود مستقیم ندارد. نتیجه این است که ایران باید با هزینه بالاتری از منافع منطقه‌ای خود محافظت کند و این محدودیت دیر یا زود بر سیاست داخلی نیز اثر خواهد گذاشت.

۵- **یکی از نکات** کمتر دیده‌شده سند ۲۰۲۵ این است که نقش خاورمیانه در تصمیم‌گیری کلان آمریکا کاهش یافته است؛ که از آن می‌توان به عنوان ریسک بزرگ‌تر و با احتمال کاهش ارزش ژئوپلیتیکی ایران یاد کرد. این یک تغییر نمادین نیست؛ نشان‌دهنده حرکت جهان به سمت منابع انرژی جدید و ساختارهای اقتصادی تازه است. اگر در دهه‌های آینده، انرژی‌های جایگزین جایگاه نفت را کم کنند، زنجیره تأمین جهانی از منطقه‌ما عبور نکند و وابستگی جهانی به تنگه هرمز کاهش یابد، آنگاه بخش مهمی از «ارزش ژئوپلیتیک ایران» به‌طور طبیعی کم می‌شود. این خطر از هر تحریم یا هر تهدید نظامی جدی‌تر است؛ چون ماهیت ساختاری دارد و یک تصمیم سیاسی نمی‌تواند آن را برگرداند. در واقع احتمال کاهش اهمیت ژئوپلیتیکی منجر به کاهش قدرت چانه‌زنی سیاسی ایران خواهد شد. لذا اگر امروز سیاست ایران این مسئله را جدی نگیرد، ممکن است چند سال بعد فرصت اصلاح از دست برود.

۶- **پیام کلی** سند ۲۰۲۵ این نیست که «ایران در آستانه بحران فوری است» بلکه پیام اصلی این است که ایران در معرض یک فشار آرام، اما بسیار پایدار قرار دارد و نیازمند بازنگری در سیاست‌های داخلی و خارجی است. این فشار از جنس جنگ، تحریم مقطعی و تهدید ناگهانی نیست، بلکه از جنس فرسایش تدریجی توان ملی است. بنابراین سیاست ایران باید پاسخ‌هایی در سطحی بلندمدت‌تر و ساختاری‌تر ارائه دهد. پاسخ‌هایی از جنس کاهش هزینه‌های خارجی غیر ضروری، تنوع دادن به سیاست خارجی، تقویت اقتصاد درونی اما با نگاه جهانی، اصلاحات نهادی برای افزایش کارآمدی و دیپلماسی فعال و کم‌هزینه‌تر. این اصلاحات اگر انجام نشود، فشار خارجی در طول زمان خود را بر عرصه داخلی تحمیل خواهد کرد.

و اما جمع‌بندی: سند امنیت ملی ۲۰۲۵ آمریکا نه یک اعلام جنگ است و نه یک تجدیدنظر ناگهانی. اما یک پیام مهم دارد که سیاست ایران باید آن را جدی بگیرد. جهان جدیدی در حال شکل‌گیری است و اگر ایران سیاست‌های خود را بازتنظیم نکند، ممکن است در موقعیتی قرار گیرد که بازیگران دیگر درباره آن تصمیم بگیرند. در واقع پیام آن هشدار به‌جای هراس است. این سند نشان می‌دهد منازعه ایران-آمریکا وارد «مرحله کم‌هزینه‌تر برای آمریکا» شده، فشار بر ایران بیشتر اقتصادی و منطقه‌ای خواهد شد. جایگاه ژئوپلیتیک ایران در آینده ممکن است تضعیف شود و فرصت تصمیم‌گیری برای ایران محدودتر می‌شود. در چنین شرایطی، سیاست ایران نیازمند ترکیبی از واقع‌بینی، اعطاف‌پذیری، و بازنگری در اولویت‌ها است. چرا؟ چون دنیایی که این سند ترسیم می‌کند، دیگر شبیه دهه‌های گذشته نیست و قواعد قدیمی ممکن است دیگر جواب ندهند. این یادداشت قصد ندارد تصویری تهدیدآمیز ارائه دهد، بلکه هشدار می‌دهد که فشارهای آینده نه از جنس حمله نظامی، بلکه از جنس کاستن تدریجی توان ملی خواهد بود و همین نوع فشار است که معمولاً خطرناک‌ترین نوع آن است.

می‌کنیم که برای امرار معاش خود دست به اقدام غیرقانونی و قاچاق بزنند و دولت هم با علم به همین نیاز، چشم خود را در برابر اقدام غیرقانونی ببندد. به‌علاوه، باندهای قاچاق درست و کلی فساد و تباهی ایجاد می‌کنیم تا مبادا بنزین گران‌تر شود؛ درحالی‌که آن سوی مرز ایران در پاکستان هر لیتر آن ۷۰ هزار تومان به فروش می‌رسد. اگر به‌جای همه اینها سهمیه بنزین و دیگر حامل‌های انرژی این مردم به خودشان داده می‌شد، می‌توانستند بی‌هیچ عارضه مهمی زندگی خود را با آرامش نسبی بگذرانند.

استعفاهای ادامه دارد

درباره کناره‌گیری محمدرضا جوادی یگانه

از ریاست مرکز ارتباطات مردمی ریاست جمهوری

اعتراض به ضعف زیرساخت، پوشش و کیفیت خدمات مخابراتی در استان‌های مختلف به چشم می‌خورد. پیام‌های تکرارنشده، بیشتر مربوط به اعتراض نسبت به مشکلاتی هستند که در اخبار هم منعکس می‌شوند. مواردی مانند اعتراض به افزایش قیمت برق، نهادهای دامی و طیور، کالاهای اساسی، قیمت نان در استان تهران، عدم پرداخت حق اولاد مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی، اجرای قانون همسان‌سازی حقوق برای تمام بازنشستگان، تعیین تکلیف انتقال سوابق بیمه کارکنان موسسات مالی و بانک‌های ادغام‌شده در بانک سپه، تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی، اجرای قوانین حجاب اسلامی در فضاهای عمومی، مطالبه اخراج اتباع بیگانه، عدم انجام تعهدات از سوی دو شرکت خودروسازی سایپا و ایران خودرو، عدم نظارت بر شرکت‌های واردکننده خودرو و تبدیل وضعیت معلمان نهضت سوادآموزی در میان آن‌ها وجود دارد.

همچنین در این گزارش به دو تجمع نیز اشاره می‌شود که یک مورد مربوط به تحصن شبانه‌روزی جمعی از خانواده‌ها و بیماران مبتلا به بیماری نادر دیستروفی برای جلب مساعدت رئیس جمهور جهت واردات دو نوع دارو بود و دیگری مربوط به تجمعی از سوی خانواده‌ها و داوطلبان کنکور با مطالبه لغو یا بازنگری یکی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.

▼ همه مردان سابق رئیس جمهور

در حدود ۱۶ ماهی که از آغاز به کار پزشک‌های می‌گذرد، بعضی از شناخته‌شده‌ترین مدیران از مجموعه دولت‌بیرون رفتند. یک وزیر با استیضاح، یک معاون با فشار تندرهای مجلس و عدم رایزنی‌های او، یک معاون با برکناری توسط شخص رئیس جمهور از دولت جدا شدند. یکی از مشاوران اصلی پزشک‌های چنماه بعد از آغاز به کار دولت استعفا داد و به دانشگاه برگشت. دو عضو شورای اطلاع‌رسانی دولت پاستور را ترک کردند و در نهایت رئیس مرکز ارتباطات مردمی هم تاکنون آخرین مورد از پیاده‌شدگان قطار دولت چهاردهم است که اگر مورد خروج ظریف از کابینه را هم استعفا محسوب کنیم، تعداد استعفاهای دولت را به عدد ۵ می‌رساند.

محمدجواد ظریف، معاون راهبردی که نقشی کلیدی در پیروزی و شکل‌گیری دولت پزشک‌های داشت، ۱۲ اسفند ۱۴۰۲ از کابینه پزشک‌های خارج شد. تندر‌ها با استناد به قانون نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس (مصوب ۱۴۰۱) فشار زیادی بر پزشک‌های وارد کردند که ظرفی را از دولت کنار بگذارند. چرا که فرزندانش متولد آمریکا بودند و پاسپورت این کشور را داشتند. از همان زمان انتقادات زیادی به این قانون مطرح می‌شد به‌خصوص اینکه منتقدان می‌گفتند تصویب چنین قانونی با تائیدهای مکرر بر به کارگیری نخ‌بگان و ایرانیان خارج از کشور مخوانی ندارد و شرط نداشتن تابعیت مضاعف باید مربوط به شخص مورد نظر باشد نه فرزند و خانواده او. در نهایت ظریف از دولت رفت و این انتقاد همواره به پزشک‌های وارد می‌شد که تلاشی برای حفظ معاون راهبردی و مشاور خود انجام نداد. پزشک‌های بعد از بیرون رفتن ظریف از دولت و همچنین برکناری مستقیم شهرام دبیری به خاطر حواشی سفر به قطب جنوب



انحلال ۵۵ شورای اضافی

بررسی خبری که رئیس سازمان اداری و استخدامی درباره روند تحولات ساختاری دولت اعلام کرد

گروه خبر: ۵۵ شورای غیرضروری بر اساس مصوبه شورای عالی اداری منحل شدند و ۱۱۲ شورای دیگر نیز در صف ساماندهی هستند. علالدین رفیع‌زاده، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور با اعلام این خبر در حساب توییتری خود اعلام کرد که اقدام درباره این ۵۵ شورا در حله اول اصلاحات ساختار اداری بوده و «در مرحله دوم مقرر شد ۱۱۲ نهاد شورایی موازی نیز با هدف تجمیع جانمایی مجدد شوند.» او همچنین تأکید کرد که «اصلاح ساختاری را برای ارتقای بهره‌وری و اصلاح فرایندها ضروری می‌دانم.»

▼ ابلاغ ساماندهی شوراها از سوی معاون اول

شامگاه چهارشنبه ۱۹ آذر بود که سازمان اداری و استخدامی کشور از ابلاغ تصویب‌نامه شورای عالی اداری در خصوص نحوه ساماندهی نهادهای شورایی از سوی محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور خبر داد. تصویب‌نامه‌ای که بر اساس اعلام این سازمان، در اجرای سیاست‌های اصلاح نظام اداری دولت چهاردهم و با هدف چابک‌سازی ساختار حکمرانی و یکپارچه‌سازی نظام تصمیم‌گیری کشور مصوب شده بود. این سازمان اعلام کرد: «به موجب تصویب‌نامه ۲۸۸ بیان امسال شورای عالی اداری که پس از بررسی‌های کارشناسی و طی فرایند قانونی در این شورا به تصویب رسید و ۱۵ آذرماه ابلاغ شد، ساختار نهادهای شورایی کشور مورد بازآرایی قرار گرفت. بر اساس این مصوبه، برخی شوراها و کارگروه‌های دارای وظایف مشابه یا همپوشان، ادغام و ذیل شورا‌های عالی مرتبط ساماندهی شدند و در عین حال چند نهاد شورایی غیرضرور یا موازی، از تاریخ ابلاغ مصوبه منحل شدند. مطابق ماده ۳ این تصویب‌نامه، در تشکیل و ساماندهی نهادهای شورایی رعایت اصولی همچون اجتناب از ایجاد وظایف و اعضای موازی، پیشگیری از تداخل با وظایف قانونی دستگاه‌های اجرایی و التزام به مأموریت‌های تصریح‌شده در قوانین و مقررات بالادستی الزامی است. این اقدام، در چارچوب برنامه اصلاح نظام اداری، گامی مؤثر در جهت افزایش انسجام تصمیم‌سازی، ارتقای بهره‌وری نظام اداری، کاهش اتلاف منابع و تقویت کارآمدی حکمرانی به شمار می‌آید و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری دقیق‌تر، پاسخگوتر و همساز با نیازهای واقعی کشور خواهد بود.»

علی احمدنیا، سرپرست امور اطلاع‌رسانی دولت هم در این باره نوشت: «در دولت چهاردهم ۵۵ نهاد شورایی منحل شدند. خوب است بدانید که برخی از این نهادهای غیر ضرور حتی دبیر و مسئول داشتند و بابت این شوراها که حتی جلسه‌ای هم برگزار نمی‌شد، حقوق و مزایا دریافت می‌کردند! اما حالا در این دولت منحل شدند. این مسیر به سود مردم همچنان ادامه دارد ان‌شالله.»

▼ کدام شوراها حذف یا ادغام می‌شوند؟

بر اساس این مصوبه، نهادهایی با عنوان شورا، شورای عالی، ستاد، کمیسیون، کارگروه، کمیته یا مانند آن‌ها که طی سال‌ها تشکیل شدند، نهادهایی هستند که حذف یا ادغام آن‌ها مورد بازبینی قرار می‌گیرد. برخی از این نهادها با گذر زمان کارایی نداشتند یا اینکه با تأسیس نهادهایی دیگر، دچار موازی‌کاری شدند. این مصوبه می‌گوید که مراجع تشکیل نهادهای شورایی «صرفاً قانون اساسی، فرمان امام خمینی (ره) فرمان رهبر معظم انقلاب، مجلس شورای اسلامی و شورای عالی اداری خواهند بود و تشکیل هر نهاد شورایی از سوی سایر مراجع ممنوع است. مسئولیت ساماندهی نهادهای شورایی نیز صرفاً بر عهده شورای عالی اداری خواهد بود.» اسامی برخی نهادهای شورایی که ساماندهی و ادغام شدند، از این قرار است:

۱- ستاد راهبری و مدیریت اقتصاد مقاومتی، ستاد رسیدگی و بررسی مسائل حاد اقتصادی و کمیسیون تخصیص ۱۰ درصد صادرات نفت برای کشورهای مستضعف ذیل شورای اقتصاد مصوب قانون برنامه و بودجه ۱۰ اسفند ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی قرار می‌گیرند.

۲- شورای عالی قطب‌های علوم پزشکی ذیل شورای گسترش دانشگاه‌های علوم پزشکی مصوب ۹ آذر ۱۳۴۴ مجلس شورای ملی قرار می‌گیرد.

۳- کارگروه توسعه گردشگری و کمیته ملی طبیعت‌گردی و اکوتوریسم ذیل شورای عالی گردشگری مصوب ۲۳ دی ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی ساماندهی می‌شوند.

۴- شورای عالی پیشگیری از ایدز، شورای هماهنگی شهرها و روستاهای سالم، شورای هماهنگی مبارزه با بیماری‌های قابل انتقال بین انسان